



ترجمه هاشم شائق

احمد عبداللہ

پنجاب و شش سال قبل ازین روز یکی از سادات کابل را فرزندى شده که اسمش السيد احمد عبداللہ نادر خان ادریسی الد رانی قرار یافته امروز همین شخص در ادبیات انگلیسی موقی احراز کرده که رشک نویسندگان انگلو سا کون گردیده است. مطبوعات انگلو سا کون درین اواخر (۱۹۲۷ م) راجع باحمد عبد الله مذکور بحث زیاد می کنند. سبب این بحث آنست که درین روزها از طرف این شخص ناوولی بنام (Ruths Rebellion by Ahmab Abdoullah Newyork 1927) تخریر و نشر یافته. احمد عبداللہ از خوردی سفر برآمده دیار بد پار گشته و امروز نیز چنین است (۱) در جوانی بمملکت چین رفته بزمان چینی را یاد گرفته است. بعد از آن با وروپا رفته بمکتب روحا نیون عبسوی داخل شده سپس چندی در انگلستان بمکتب مخصوص اصیازادگان انگلستان تعلیم خوانده و بعد از آن با کسفورد داخل شده تحصیل کرده است.

(۱) چون نویسنده اصل این مقاله را در سنه (۱۹۲۷) تخریر کرده است امروز نمیتوان

گفت که احمد عبد الله در کجاست، زنده است یا مرده؟ لہذا بقید احتیاط باید حکم نمود (م)

پس از سیاحت برلین و پاریس بمصر رفته و بجامع الازهر نیز تحصیل نموده است .

موصوف در سنه ۱۹۰۰ م هنگام ظهور اختلال بوکسرهاى چین بچین رفته شامل دسته اختلالیون گردیده بر خلاف اروپائیان جدال نموده است . بعد از چندی در هندوستان برتبه کند کمشرى داخل اردوى انگلیسى هند شده اما بالاخره از سلك عسكرى بنخواست خود كناره گرفته استعفا نموده است .

موصوف دوباره در جنگ عثمانيها با بالقا نيهما بصفت ضابط سواری شامل اردوى عثمانى گردیده خدمت نموده اما در ظهور جنگ عمومى با مریکا رفته و در انجامى بوده تا که بسائقه احتیاج بنوبسندگى انتساب یافته .

آثار احمد عبدالله تا امروز بچند جلد میرسد که عبارت از ناول ، حکایه ها و درامهاست . از انجمله اثر مشهور او (دزد بغداد) است که سینهامى آنرا نیز گرفته اند و نظر دقت عالم را بخود جلب کرده در همه جا بتذوق تماشامى کنند . (در جشن استقلال همین سال در کابل نیز بموقع تماشا گاه آورده شد) .

مزیت بزرگ این محررفغانى ازین رهگذر است که بزبان انگلیزى اقتدار یابند حاصل داشته مى باشد . اگرچه ما درش را انگلیزى گویند و علاوه بران بودو باش و تماش او با انگلیزها و انگلستان سألهاى دراز پیش نظر گرفته شود نیز حیرت مرا درباب اسلوب موصوف تنقیص نمیکند چونکه در حقیقت زبان انگلیزى با قاعده و منطق کمتر توافق دارد و این زبان را مثل يك اسپست بتصرف داشتن خیلی مشکل است .

باینهمه این محرر زبان انگلیزى را با کمال موفقیت و اسانى بدست آورده استعمال مى نماید . پیش از جنگ دنیا در تورکستان يك حیات پر تضاد و يك حیات حیرت آمیزى

موجود بود. شخص های عجیبی در تحت حکمرانی امپراطور روس یکجا میز بستند احمد عبدالله آن منظره غریب و متضاد را در ضمن سالهای دوازده مشاهده و تصویر کرده در انظار عالم بخوبی ارائه نموده می تواند. علاوه برین در اثرهای احمد عبدالله عظمت و وسعت بهت آور آسیارا میتوان تماشا کرد. بلکه لوحه آسبائی را براسنی می شود تماشا نمود: کوه های سر بفلک کشیده، صحراهای پهناور، دشت های پرریگ مزارع پرحرارت و سوزان اهالی و حیوانات وحشی روی صفحات کتاب احمد عبدالله مشاهده میشود.

اما محرز مذکور در ناول جدید خود برشته دیگری میل نموده از خط مستقیم تجاوز نموده و اختیار خود را از دست داده پیشتر رفته نتوانسته است. چنانکه منقد نیورک تأمل گوید احمد عبدالله اثر ضعیفی انشا نموده حیات امریکائی را تصویر کرده اگر همراه کاروانها و شهزادگان افغان در ضمن این اثر بمملکت خود عودت میکرد خوبتر می بود. چه عوض حیات آسیائی زندگی امریکائی را تصویر نموده است. در حقیقت ناولهای احمد عبدالله نسبت بحکایه های آن بنظر انسان خیلی خورده می آید، اما نمونه تضاد روح آسیائی را با روح حیات امریکائی و اوروپائی بدست آورده در انظار می گذارد. قضایای خنده آور و حزن انگیز را که خیلی غرابت دارد یکجا می سازد. کذا اقتداری که در استخراج معنی ها از آن ترکیب بکار میرسد، در مسابقه های خود با موفقیت نشان میدهد.

مثلاً يك مرد غریب برای اینکه زانش آسان بزاید عقب طیبی از قریه خود دروان میشود چون مسافه بین قریه این شخص و موضع دوکتور بعید است، میخواهد این مسافه را بصورت دویدن بزودی طی بنماید، ولی در عرض راه دچار يك خرس بزرگ

میشود، آنوقت میان شخص و خرس مجادله آغاز می‌کند. بالاخره اگر چه انسان بر خرس غالب میشود، لیکن عوض اینکه خوش باشد متأسف میگردد. چه معلوم میشود که مجادلهٔ خرس با انسان برای این بوده که چوچه خرس از دست انسان در خطر خواهد افتاد، و ازینرو برای سلامت چوچهٔ خود، خرس فدای نفس کرده و نیش آن در پیش روی انسان افتاده. آنوقت حال اشخاصی را که با مید فرزند در بن قر به مضطر بند خاصناً زن شخص مذکور که در کنج خانه از سبب اولاد بحال مرگ مییاشد، بحیال آورده با صدای بلند گریه میکنند این واقعه را بار و روح بکده کده آسیائی ماهرانه تصویر نموده است. چون این حکایهٔ کوچک از یکطرف خیلی ساده ولی از دیگر طرف بهمان اندازه سوزناکست احمد عبدالله را صاحب آثار گزیده معرفی می‌کند. یکی از کتابها انگلو سا کسون که منتخب از حکایه های کوچک بوده بنام کتاب طلائی شهرت دارد برای احمد عبدالله موقع خوبی دران داده اگر چه بعضی اشخاص این محراب را در قطار مورطاسان و کپ این می شمارند. اما من این رای را تأیید کرده نمیتوانم.

ممکن است که بعضی از آثار این محراب بنا بر تسکین احتیاج و ذوق انگلو سا کسون چنین ساخته شده باشد. لذا چنین آثار را عوض اینکه ناول بگوئیم خلاصه قصهٔ سینما نامیدن موافق است. آثارهای مورطاسان صفتی است که با وجود تحلیل کردن اسرار آن رسیده نمیشود تا حیران سکامیت آن شده میتوانیم و بس با وجود این قبوه احترازی احمد عبدالله یک محراب قدیر افغان نیست که تنها افغانیان باو افتخار نمایند؛ بلکه همه شرقیان و مسلمانان باید افتخار بکنند. چونکه احمد الله محراب متار و صاحب قریحهٔ سرشار میباشد.